

در پی سرنگونی رژیم بن علی رخ داد ایجاد ۱۰۵ حزب طی ۱۰ ماه در تونس

■ در کشور کوچک تونس با جمعیتی ۱۰ میلیونی بیش از یکصد حزب فعالیت می کنند. این مساله آنچنان شایع شده که کاربران شبکه‌های اجتماعی در «فیس‌بوک» را بر آن داشته است تا دست به تمسخر این گونه فعالیت‌ها بزنند. غالب این احزاب پس از پیروزی انقلاب یاسمین و سرنگونی رژیم زین‌العبدین بن‌علی در ژانویه سال گذشته در صحنه سیاسی این کشور حضور پیدا کرده‌اند.

تا پایان ماه آگوست گذشته، تعداد احزاب سیاسی مجاز در تونس به ۱۰۵ رسید اما این رقم در حال افزایش است. زیرا تونس‌هی‌ها اعم از هر گونه گرایش یا سلیقه‌ای به راحتی می‌توانند درخواست تشکیل یک حزب سیاسی بدهند. تحلیلگران می‌دانند که اکثریت این احزاب روزی از هم می‌پاشند و تنها از بین آنها احزایی باقی می‌مانند که در میدان سیاست از نفوذ بیشتری برخوردار باشند. نتایج یک نظرسنجی را که موسسه «طالع‌ات آماری و تحلیل داده‌ها» تهیه کرده است و در آوریل منتشر شد، نشان می‌دهد ۶۸ درصد از تونس‌هی‌ها با دادن مجوزهای بیشتر برای تأسیس احزاب سیاسی در کشورشان مخالف هستند. همین نظرسنجی آشکار می‌کند که ۶۰درصد از تونس‌هی‌ها عضو هیچ‌کدام از احزاب نیستند و حدود ۵۸درصد از آنان نقش و کارکرد احزاب را در کشورشان ناموفق ارزیابی می‌کنند. به اعتقاد تونس‌هی‌ها، کثرت احزاب نشانه سلامت دموکراسی و کثرت‌گرایی سیاسی در کشورشان نیست. آنها براین باورند که تشکل‌های سیاسی جدید، به خصوص آنها که بعد از انقلاب به ظهور رسیدند تالی همان حزب «التجمع» هستند که ۹ مارس گذشته به موجب یک‌قار قضایی منحل شد. بجای قاید السبسی، وزیر اول دولت انتقالی تونس در یک مصاحبه تلویزیونی به موضوع عدم شفافیت احزاب سیاسی در تونس اشاره کرد و گفت بسیاری از آنها حتی نمی‌توانند به اندازه یک میهمانی نرئو و طرفدار جمع کنند. طارق بلحاج محمد، احزاب تازه تشکیل شده را بیشتر «شکلی» می‌داند. زیرا بر مبنای نخبه‌گرایی و گروه‌گرایی و نزدیکی‌های قبایلی و روابط شخصی تشکیل شده‌اند. حزب «تجمع برای قانون اساسی و دموکراسی» که منحل شد، یکی از بزرگ‌ترین احزاب تونس به حساب می‌آمد زیرا تعداد اعضای آن در سال‌های آخر حکومت زین‌العبدین بن‌علی به دوونیم میلیون نفر می‌رسید. یعنی تقریباً یک چهارم جمعیت کشور را در خود داشت. اما پس از انحلال این حزب، تعداد رأی‌ای از بهرانش به مراتب رفته یا گروه‌های مخالف را تشکیل دادند.

شهروندان به شدت با دادن امتیاز تشکیل احزاب به شخصیت‌های رژیم گذشته مخالف هستند. افرادی مانند کمال مرجان آخر وزیر خارجه سابق و موسس حزب «المبارد» (پیش‌قدم) یا محمد جغام، وزیر کشور بین سال‌های ۹۷ تا۹۵ و وزیر دفاع سابق و موسس حزب «لوطن». مرجان و جغام پیشتر جزو اعضای کمیته مرکزی حزب منحل‌شده التجمع بودند. طی همین دوره، تعداد دیگری از احزاب سیاسی در تونس ظاهر شدند که توان مالی خوبی دارند. این مساله در هزینه‌کردن‌ها و تأسیس مراکز جدید گران‌بها یا تبلیغات گسترده آنها در رسانه‌های مختلف به چشم می‌خورد. حزب «الاتحاد الوطني الحر» که بعد از انقلاب تأسیس شد، توانست توجه بسیاری را به خود جلب کند. این حزب توسط یک بازار جوان به نام سلیم الریاحی که مقیم لندن است به کمک تعداد دیگری از لیبرال‌ها تأسیس شد. هزینه‌های چند میلیون دلاری این حزب در تبلیغات رسانه‌ای و اعمال خیریه‌ای که در نقاط مختلف کشور انجام می‌دهد، توانسته است شهرتی را برای این حزب فراهم کند.

در عین حال این هزینه‌های گزاف و خارق‌العاده شبیهاتی را هم نزد برخی سیاستمداران و شهروندان برانگیخته است. آنها می‌گویند این حزب به کمک‌های مالی خارجی وابسته است. مسائله‌ای که بنیان‌گذاران این حزب آن را رد می‌کنند. یکبار «حمه الهمامی» سخنگوی حزب کارگران سوسیالیست تونس نسبت به «تاثیر پول بر سیاست» هشدار داد و آن را در مرحله انتقالی این کشور خطرناک توصیف کرد. او گفت: در دوره بن علی از طریق دولت و نیروهای پلیس در انتخابات دخالت می‌شد اما امروزه هرگزانی از آن وجود دارد که از طریق پول همان مسایل تکرار شود.محمد الکیلاتی دبیر کل حزب سوسیالیست چپ تونس با متهم کردن احزاب این کشور به دست داشتن در «قداماتی که هدفش خریدن وجدان رای‌دهندگان و جذب آنها به شیوه‌ها و روش‌های مختلف است» آنها را مورد نقد قرار داد. حتی روزنامه‌های محلی در گزارش‌هایی نوشتند، جنبش النهضة به رهبری راشد الغنوشی نیز کمک‌های مالی در اختیار مردم گذاشته است. آنها افشا کردند که این حزب فاکتور برق و آب برخی شهروندان را پرداخت کرده یا برای زوج‌های جوان به‌خصوص در خانواده‌های فقیر مراسم عروسی جمعی تشکیل داده است یا حتی برای دانش‌آموزانی که قصد شرکت در امتحان نهایی را داشتند، درخواست کرد، تکالیف‌شان کمتر شود. همین حزب که یکی از قدرتمندترین نیروهای اسلام‌گرا در تونس به حساب می‌آید به دریافت پول از کشورهای اسلامی و عربی به‌خصوص از حوزه خلیج‌فارس متهم است. البته احزاب چپ‌گرا نیز به دریافت پول از کشورهای غربی متهم هستند. اما همه این احزاب اتهامات یادشده را به صورت جزئی و کلی رد می‌کنند و می‌گویند، آمادگی آن را دارند که در براره منابع مالی آنها تحقیق شود و حتی حاضرند دولت دست به چنین کاری بزند.



عبدالله گل، رئیس‌جمهور مصر

برلین رفته است در مصاحبه با فرانکفورتر آنگماينه از جرایم اسرائیل، از روابط کشورش با اروپا و از کارکرد الکوبی ترکیه می‌گوید.

●●●

✎ آقای رئیس‌جمهور، شما از آلمان به عنوان لکوموتیو اروپا یاد می‌کنید.البته اروپا فاقد چنین لکوموتوی است. آیا صولا ترکیه علاقه دارد که بخشی از این لکوموتیو باشد؟

روابط ترکیه با اروپا تابعی از نوسانات اقتصادی نیست. عضویت کامل در اتحادیه اروپا برای ترکیه هدفی روشن و استراتژیک به حساب می‌آید. ما تمایل داریم که در چارچوب مذاکرات با اتحادیه اروپا به این هدف برسیم. اگر به این مرحله برسیم و شورای اروپا تشخیص بدهد که این روز فرارسیده و ترکیه همه شرایط را محقق کرده است طبیعتا باید در همه کشورهای عضو همه‌پرسی در این مورد برگزار شود. هنوز نمی‌توان در این باره که مردم این کشورها چه تصمیمی خواهند گرفت، اظهار نظر کرد. اما ما به نتیجه این همه‌پرسی‌ها احترام خواهیم گذاشت. ولی تا قبل از آن هر کاری از دست‌مان بر آید، برای پیوستن به اتحادیه اروپا انجام خواهیم داد.

✎ ترکیه خود یک لکوموتیو قدرتمند است. اقتصاد شما از سال‌ها پیش رشدی رکوردشکن داشته و این رشد در نیمه اول سال جاری به ۱۰ درصد رسیده است. دلیل این رشد در چیست؟

ترکیه در سال ۲۰۰۱ یک بحران سنگین بانکی و اقتصادی را تجربه کرد و ما از این بحران درس‌های زیادی آموختیم. در شاخه‌های مالی و اقتصادی اصلاحات ساختاری زیادی صورت گرفت. ترکیه در مقابل خطرات و موج شوک‌هایی که امکان دارد از خارج وارد شود، مجهز شده است. از کسری بودجه سال‌های پیش دیگر خبری نیست و ما بر آن تورم مزمن مه غلبه کرده و سود بانک‌ها را کاهش داده‌ایم. اما امروزه شاهدیم که کشورهای اتحادیه اروپا دقیقا دچار همان مشکلات سال‌های دور ما هستند یعنی کسری بودجه عظیم، بدهی‌های هنگفت و نقض معیارهای ماستریخت. اروپا غالبا نمی‌تواند در زمان مناسب تصمیم‌های مهم بگیرد. ترکیه از این نظر وضع بهتری دارد. ما هنگام کسری بودجه و بدهی‌های بالا، معیارهای ماستریخت را رعایت می‌کنیم. ترکیه توانایی سرعت عمل را هم دارد. ما با این حال باید به اقدامات دیگری هم دست بزنیم و این کار را هم انجام می‌دهیم.

✎ اگر ترکیه به عضویت اتحادیه اروپایی در آید، آنگاه تنها یکی از ۲۹ عضو فعلی این اتحادیه خواهد بود و تنها یک رای دارد. آیا این حالت با بلندپروازی‌های کشور شما همخوانی دارد؟

بلندپروازی ما این است که می‌خواهیم ترکیه‌ای از نظر دموکراتیک و اقتصادی قدرتمند بسازیم. به باور ما اتحادیه اروپا در این مورد نقش مهمی ایفا می‌کند زیرا از نظر ما این نهاد یک اتحادیه ارزش‌های مشترک است؛ ارزش‌هایی چون دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد و رعایت حقوق بشر. از همین‌رو عاقله ما به اتحادیه اروپا خاموش نمی‌شود و به شکلی قدرتمند ادامه می‌یابد.

✎ ترکیه تقریبا با تاخیر از خیزش‌ها در لیبی و سوریه حمایت کرد. کشور شما چه نقشی در تحولات جهان عرب می‌تواند ایفا کند؟

ما آرزو داریم که در این کشورها دموکراسی برقرار شود و بی‌ثباتی پایان گیرد. ترکیه روابط تنگاتنگی با اروپا و کشورهای منطقه عراقی تکرانی خود را نسبت به بازسازی شبکه القاعده در این کشور پنهان نمی‌کنند. این گروه مشغول تنظیم نیروهای خود و گشودن سنگرها جدید همزمان با نزدیک شدن به عقب‌نشینی کامل نیروهای آمریکایی از عراق هستند که باید طبق توافقات انجام‌شده تا پایان سال جاری میلادی این کشور را ترک کنند. به اعتقاد این مقامات، به رغم کشته شدن رهبران بزرگ این شبکه و فشارهایی که از سوی نیروهای آمریکایی و عراقی بر آنها وارد می‌شود، القاعده همچنان قادر به انجام حملاتی بزرگ بوده و می‌تواند تا امنیت مردم و دولت عراق را هدف قرار دهد. سرلشکر حسین کمال، معاون وزیر کشور عراق می‌گوید: برخی اعتقاد دارند که شبکه القاعده از عراق رفته است اما این درست نیست. نسل سوم این شبکه همچنان در عراق فعالیت پرچمی داشته و می‌تواند تا توان آموزشی و رزمی خود را تقویت کند. به باور این سرلشکر عراقی شبکه القاعده همچنان تهدیدی بزرگ برای امنیت جامعه عراق



عکس Reuters

عبد الله گل:

سیاست خارجی ما «نئوعثمانی» نیست

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی

خاورمیانه دارد و این دو نافی یکدیگر نیستند. ما در آینده روابط خود را با خاورمیانه و کشورهای مانند مصر، تونس، لیبی و سراسر منطقه گسترش خواهیم داد. ترکیه با مصر یک قرارداد تجارت آزاد دارد و در منطقه صنعتی ترکیه در قاهره ۷۰ هزار مصری مشغول به کار هستند. من اولین رئیس‌جمهوری بودم که پس از انقلاب مصر از آن کشور دیدن کردم. هیات همراه ما متشکل از رهبران نظامی و سیاسی و همین‌طور از جوانانی بود که روند این تحولات را آغاز کرده‌اند. من در آن سفر ایجاد انگیزه کردم و پیشنهادات دوستانه‌ای ارایه دادم.

✎ این تجربیات چند دهه‌ای ترکیه تا چه اندازه می‌تواند برای کشورهای خاورمیانه الگو باشد؟ آیا آن آزادی سیاسی و اقتصادی که در زادگاه شما یعنی کاسری تحت عنوان «اقتصاد اسلامی» آغاز شده است، می‌تواند برای دیگر کشورهای مسلمان یک الگو و سرمشق باشد؟ میل ندارم که از یک سرمشق بگویم چون شاید به نوعی توهین‌آمیز باشد. اما بسیاری از جوانان و روشنفکران کشورهای عربی به ترکیه چشم دوخته‌اند. آنان تحولات و موفقیت‌های کشور ما را می‌بینند و از خود می‌پرسند که چرا این موفقیت‌ها در کشورهای خودشان وجود ندارد، موفقیت‌ها و تحولاتی چون دموکراسی بیشتر، اقتصاد قوی‌تر و رعایت بیشتر حقوق بشر. آنان دقیقا ترکیه را زیر نظر دارند و این پرسش را مطرح می‌کنند: «چرا کشورهای ما به نقطه‌ای که ترکیه رسیده است، نمی‌رسند؟» ترکیه برای این افراد یک منبع الهام‌بخش و تاثیرگذار است. البته ما هم از دیگر کشورها نظیر آمریکا، آلمان و چین تاثیر و الهام می‌گیریم. از آنجایی که ما مسلمان هستیم کاملا منطقی است که دیگر کشورهای مسلمان نگاه‌شان به سوی ترکیه باشد. حتی تاریخ هم در این مورد نقش دارد. اولین پارلمان ترکیه در سال ۱۸۷۶ گشایش یافت و ترک‌ها مردمی زنگ هستند. اگر ساختارهای سیاسی و اقتصادی ترکیه در گذشته بهتر شده بود، امروز بسیار جلوتر رفته بودیم. این مردم ارزش‌هایی محافظه‌کارانه دارند. آنان

متدین و سخت‌کوش بوده و در عین حال مدرن و دنیادیده و مولد هستند. من فکر می‌کنم از این نظر ما یک منبع الهام برای دیگران هستیم.

✎ برخی ترکیه را به رفتار دوگانه متهم می‌کنند و می‌گویند در همان حال که این کشور در جهان عرب به عنوان الگو مطرح است، خواست‌های دموکراتیک بخش بزرگی از جامعه ترکیه یعنی کردها و علویان نادیده گرفته می‌شود. بهتر نیست که ترکیه در وهله اول در درون خود دست به کاری بزند تا بتواند سرمشقی برای دیگر کشورها باشد؟

طبیعتا من نمی‌گویم که ترکیه کشور بی‌عیب و نقصی است. انکار نمی‌کنیم که ما هم به مانند دیگر کشورها مثلا آلمان و فرانسه، مشکلات زیادی داریم. کردها و علویان خواسته‌هایی دارند و ایضا شهروندان متدین اهل سنت، ما می‌خواهیم با اصلاحات و تدوین یک قانون اساسی جدید و

✎ برخی ترکیه و اسرائیل که زمانی مناسبات تنگاتنگی می‌گویند در همان حال که این کشور در جهان عرب به عنوان الگو مطرح است، خواست‌های دموکراتیک بخش بزرگی از جامعه ترکیه یعنی کردها و علویان نادیده گرفته می‌شود. بهتر نیست که ترکیه در وهله اول در درون خود دست به کاری بزند تا بتواند سرمشقی برای دیگر کشورها باشد؟

طبیعتا من نمی‌گویم که ترکیه کشور بی‌عیب و نقصی است. انکار نمی‌کنیم که ما هم به مانند دیگر کشورها مثلا آلمان و فرانسه، مشکلات زیادی داریم. کردها و علویان خواسته‌هایی دارند و ایضا شهروندان متدین اهل سنت، ما می‌خواهیم با اصلاحات و تدوین یک قانون اساسی جدید و

نسل سوم القاعده در عراق فعال می‌شود

می‌دهد که القاعده با سربازگیری در بین نیروهای خارجی قصد دارد جایگاه جدیدی در عراق پیدا کند. الجبوری درباره امکان محل استقرار القاعده در عراق می‌گوید: مشکلی را که دولت نوری المالکی در حال حاضر با آن مواجه است، اینکه شبکه القاعده در جاهایی تقویت می‌شود که در گذشته نیروی پشتیبانی نداشت. این شبکه در حال حاضر در جاهایی مستقر شده است، به‌خصوص جنوب و مرکز عراق که دولت انتشارش را نداشت. ناصر الدلیمی، عضو شورای استانداری الالباب درباره حضور القاعده در این استان می‌گوید این شبکه هسته‌های روبه‌رشدی در اکثر مناطق عراق از جمله الالباب دارد و حوادث اخیر در این استان از جمله ترورها و انفجارها نیز همین نکته را گوشزد می‌کند. در همین رابطه هشام التیمی، مدیر مبارزه با تروریسم در استان دیالی می‌گوید: شبکه القاعده در استان دیالی ضربات سنگینی را از سوی نیروهای امنیتی عراق دریافت کرده است. وی در همین حال نسبت به نسل سوم شبکه

دوران رایش سوم نیز یهودیانی را که از هولوکاست فرار کردند، پذیرا شد. نخست‌وزیر اردوغان هم تا زمانی که دولت اولمرت بر سر کار بود، در مذاکرات صلح میان اسرائیل و اعراب شرکت داشت و بارها به اسرائیل سفر کرد. من نیز سه سال پیش از شمیمون پرز رئیس‌جمهور اسرائیل دعوت کردم و او در پارلمان ترکیه سخنرانی کرد اما دولت اسرائیل تا به امروز نه به تاریخ ما و نه به مساعدت‌های ترکیه احترام نگذاشته است.

✎ از نظر آنکارا آیا تلاش فعالان ترک در کشتی «ماوی مرمره» برای شکست محاصره غزه یک نقطه عطف به شمار می‌آید؟

این حادثه‌ای در آب‌های بین‌المللی بود. روی آن کشتی، نمایندگانانی از پارلمان آلمان و افرادی از ۳۷ کشور دنیا حضور داشتند. آنها مسلح نبودند اما بر اثر حمله اسرائیلی‌ها کشته شدند. اسرائیل در این جریان مقصر بود و ما این وضعیت را نمی‌توانیم قبول کنیم. رفتار اسرائیل از نظر استراتژیک کوتاه‌بینانه است. اسرائیل باید کشورهای عربی را خیلی خوب تجزیه و تحلیل کند. تل آویو می‌توانست به صورتی با کشورهای عربی که حکومت‌های خودکامه داشتند، همکاری داشته باشد اما این امکان با توجه به موج عظیم دموکراسی خواهی دیگر وجود ندارد.

✎ شمیمون پرز رئیس‌جمهور اسرائیل در آن دعوی معروف اجلاس داووس از نخست‌وزیر اردوغان پرسید که اگر آنکارا هر روز هدف موشک قرار گیرد، چه واکنشی نشان خواهد داد.

نمی‌توان در این مورد مقایسه انجام داد. ما در یک طرف کشور را داریم که تحت تحریم است و هیچ شباهتی به یک کشور ندارد و حتی نشانه‌ای از آبادی در آن دیده نمی‌شود اما در سوسی دیگر دولتی را داریم که تا بن دندان به سلاح‌های مدرن مجهز است.

✎ اما این پاسخی به پرسش شمیمون پرز نیست.

ما هم حمله به اسرائیل را نمی‌توانیم بپذیریم. هر زمان که به اسرائیل آسیبی رسیده است، ما در مورد آن اظهار نظر کرده و آن را محکوم کرده‌ایم. اما از سوسی دیگر سلاح‌هایی امکانی برای این کار نبود و به همین علت به ناتو پیوستیم. اما این مداخله‌ها قبل از آنکه ناتو تصمیم به مداخله بگیرد، آغاز شده بود.

✎ از سال‌ها پیش در جهان اسلام تحت این عنوان که فاجعه سرب‌نیتسا نباید تکرار شود، ایده تشکیل یک یگان واکنش سریع اسلامی مطرح می‌شود. نظر شما در این مورد چیست؟

اگر رهبری جدید و ملت لیبی بخواهند که برای حفظ صلح و ثبات یگان‌هایی از کشورهای مسلمان به لیبی اعزام شوند، این کار امکان‌پذیر است.

✎ روابط ترکیه و اسرائیل که زمانی مناسبات تنگاتنگی بود، به بحرانی عمیق دچار شده است. آیا دو کشور در یک خط مشی متضاد برگشت‌ناپذیر قرار دارند یا در صورت نبود دولت نتائیا‌هو این روابط بهتر خواهد شد؟

دلیل اینکه به چنین نقطه‌ای رسیدیم، این بود که دولت فعلی اسرائیل چنین می‌خواست. این وضعیت حاصل تصمیمات غلط و رفتار غیرقابل قبول دولت اسرائیل است. ما نه با اسرائیلی‌ها و نه با یهودیان به هیچ عنوان مشکلی نداریم. تاریخ روابط ترک‌ها و یهودیان به بیش از ۵۰۰ سال پیش باز می‌گردد، یعنی زمانی که یهودیان از دادگاه‌های تفتیش عقاید فرار می‌کردند و سلطان عثمانی آنان را به استانبول و دیگر شهرهای امپراتوری دعوت کرد و به آنها پناه داد. ترکیه در حال شکل‌گیری است. ما هم چنین دیدی به این مساله داریم.

منبع:الجزیره

البرادعی کجاست؟ ترجمه: فردین صناعی

■ «تا زمانی که مصر را در مسیر صحیح خود نبینم، برای انتخابات ریاست‌جمهوری برنامه‌ای نخواهم داشت». این را محمد البرادعی می‌گوید؛ فردی که از او به عنوان یکی از امیدهای انتخابات ریاست‌جمهوری مصر یاد می‌شود و جمله‌ای که نشان از غیبت او در انتخابات آتی و چشم‌انداز او از وضعیت کلی سیاسی در مصر می‌دهد. در طول سه ماه گذشته البرادعی خود را در هیچ جمعی نشان نداده است، حتی بر خلاف دیگر کاندیداهای احتمالی ریاست‌جمهوری در طول ماه رمضان برای برگزار کردن مراسم مذهبی و افطار دادن، تلاشی از خود نشان نداد. تنها حضور عمومی او مربوط به ماه گذشته و دیدار با چهره‌های معروف الازهر درخصوص قانون اساسی آینده مصر بود.

اما البرادعی در جای دیگری بسیار فعال است، توییت‌ر و یوتیوب، جایی که البرادعی می‌تواند هر بار تنها ۱۴۰ حرف بنویسد و با همین محدود کلمات نقطه‌نقش‌اترش را درخصوص مسایل اصلی کشور بیان می‌کند و بیش از نیم‌میلیون مصری در داخل و خارج از کشور مطالب و دیدگاه‌های او را دنبال می‌کنند. البرادعی در یکی از آخرین توییت‌های خود می‌نویسد: «قوانین جدید انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی مصر ما را به «دموکراسی مبارکی» رهنمون خواهد کرد، لطفا انقلاب مصری‌ها را اسقط نکنید». قانونی که انتظار می‌رود به زودی توسط هیات نظامی حاکم بر مصر تأیید شود. در مقایسه با دیگر نامزدهای پست ریاست‌جمهوری، همچون عمروموسی وزیر امورخارجه پیشین و رئیس سابق اتحادیه عرب و همچنین محمد سلیم العوا متفکر مسلمان که تقریباً هر هفته گروه‌های‌های در شهرهای مختلف برگزار می‌کند، البرادی تقریباً بیرون از دور این رقابت‌هاست. آن‌گونه که عبدالرحمان سسمیر یکی از نزدیکان البرادعی می‌گوید، راه رئیس‌جمهور شدن البرادعی نامهور و پر از دست‌انداز است. سسمیر می‌افزاید: «حتی با به سرانجام رسیدن عمر حکومت حسنی مبارک، هنوز نهمیت‌ها و دشمنانهایی که به البرادعی داده می‌شود، به پایان نرسیده است.»عامل خارجی»، «بی‌دین» و «همدست آمریکا برای حمله آمریکا به عراق» از آن جمله است. برخی از رهبران و مدیران گروه‌هایی که به وسیله مقامات رژیم گذشته اداره می‌شوند، البرادعی را فردی می‌خوانند که سال‌ها در خارج از مصر زندگی کرده است و خود صحنی از وضعیت مصر امروزی، پیچیدگی‌ها و چگونگی اداره کشور ندارد. حتی برخی از هواداران عمروموسی در دو ماه گذشته نیز همین استدلال‌ها را مطرح کرده‌اند.

در ژانویه ۲۰۱۰، البرادعی پس از دو دور ریاست بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در میان استقبال هزاران نفر از مصری‌ها در فرودگاه قاهره شد. مصری‌ها آن زمان از او درخواست می‌کردند تا به عنوان کاندیدای ریاست‌جمهوری وارد میدان شود و مقابل مبارک قرار گیرد، اما پاسخ البرادعی همواره منفی و معتقد بود باید برای چنین کاری شرایط آن – که اصلاح برخی از قوانین بود – آماده شود. در آن سال البرادعی و حامیان او بزرگ‌ترازکننده چندین تظاهرات بودند و در برابر رسانه‌هایی که روی او تمرکز کرده بودند، با حامیشا دست می‌داد و کودکان را می‌بوسید. اما به هر حال، از همان زمان او درخصوص حضور در محافل عمومی همواره محافظه‌کاری پشیه می‌کرد. حامیان البرادعی در شهرهای دیگر مصر مشکلات‌شان بیش از هواداران او در قاهره است. به عنوان مثال در همین عبد فطری که گذشت، تصاویر و بنرهای نصب‌شده البرادعی در اسماعیلیه و سوئز پاره شدند، در حالی که آگهی‌ها و بنرهای عمروموسی و نامزدهای دیگر همیشه جلو چشم است. حتی بر اسانس آنچه برخی رسانه‌ها منتشر کردند یکی از هواداران البرادعی توسط گروهی از اراذل و اوباش در شهر اسکندریه ربوده شد و پس از چند روز که در دست آدم‌ربان بود، آزاد شد. در نتیجه همین فشارهاست که برخی از هواداران البرادعی عضو کمپین انتخاباتی چهره‌های دیگر می‌شوند. به عنوان مثال به کمپ عبدالمنعم ابوفتح می‌روند؛ چهره شاخص سابق اخوان المسلمین و کاندیدای ریاست‌جمهوری آینده در یک نظرسنجی فیس‌بوکی که اخیرا توسط شورای حاکم بر مصر برگزار شد، ۲۵درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی البرادعی رای دادند، در حالی که درصد آرای عمروموسی حدود هفت درصد بود. با این حال کارشناس می‌گویند که این نظرسنجی‌ها نماینده افکار عمومی مصر نیست؛ کشوری که ۴۰ درصد آن بی‌سواد است.

برخی ناظران بر این باور هستند که محافظه‌کاری البرادعی از آنجاست که او می‌خواهد در میان جدال میان اسلام‌گراها و سکولارها، حامیان خود را از دست ندهد. یکی دیگر از چالش‌های پیش‌روی البرادعی از دست دادن نیروهای سیاسی حامی پیش از انقلاب ۲۵ ژوئیه بود. از جمله گروه «تجمع ملی برای تغییر» است که توسط صدای از سیاستمداران و چهره‌های شاخص برای کمک به البرادعی در تحقق اصلاحات مدنظر او تشکیل شده بود.غیبت البرادعی در صحنه‌های عمومی نقطه ضعفی بزرگ برای او خواهد بود و دلیلی می‌شود تا رقابتی سیاسی او اعلام کنند که او تنها نامزد نخبگان است، نه عموم مردم. اولویت اول البرادعی نیز تشکیل شبکه‌ای از دولت‌های حامی او برای انتخاات ریاست‌جمهوری آینده و پس از انتخابات پارلمانی خواهد بود. به گفته حامیان البرادعی، آنها هم‌اکنون در حال ایجاد شبکه‌هایی برای ارتباط‌گیری بیشتر با مردم هستند. شبکه‌هایی افقی و نه عمودی، آن‌گونه که شخصیت البرادعی است.

منبع:الاهرام